

## طراحی شبکه عوامل مؤثر بر عیوب ساختاری در تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی (در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و بیانیه گام دوم انقلاب)

نویسندگان: سیدمحمد عباس‌نیا<sup>۱</sup>، محمدهاشم بت‌شکن<sup>۲</sup>، محمدعلی دهقان دهنوی<sup>۳</sup>،

محمدجواد محقق‌نیا<sup>۴</sup>، حسین اصلی پور<sup>۵</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۷

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست‌ودوم، شماره ۸۴، پاییز ۱۳۹۸

### چکیده

باتوجه به بندهای ۹، ۱۶ و ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و محور اقتصاد در بیانیه ابلاغی گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری، در این مقاله عوامل مؤثر بر عیوب ساختاری را در ساختار تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی به عنوان یک نهاد اقتصادی-اجتماعی، استخراج و شبکه‌سازی شده‌اند.

مطالعه حاضر یک مطالعه آمیخته است که در آن روش تحلیل مضمون (TA) به عنوان یک روش کیفی و روش مدلسازی ساختاری-تفسیری (ISM) به عنوان یک روش تحقیق در عملیات نرم استفاده شده است و روش میک مک (MICMAC) نیز به عنوان یک روش مکمل به صورت Soft Link با ISM ترکیب شده است. از طریق TA عوامل کلیدی اثرگذار بر اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی شناسایی و با دستیابی به شبکه مضامین مدل ارتباطی بین عوامل مؤثر با کمک ISM در شش سطح استخراج شد و در نهایت جهت سنجش قدرت نفوذ و وابستگی عوامل از روش میک مک استفاده شده است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که لازم است جهت تحقق اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و رفع عیوب ساختاری در ساختار صندوق‌های بازنشستگی، لازم است مسئولیت تدبیر امور بین نسلی در حوزه بازنشستگی به یک ناظر مستقل و فراقوه‌ای بازنشستگی تفویض گردد که مسئولیت تنظیم‌گری این صندوق‌ها را بر عهده داشته باشد.

### واژگان کلیدی:

بیانیه گام دوم انقلاب، اقتصاد مقاومتی، صندوق‌های بازنشستگی، تنظیم‌گری.

sm.abbasnia@gmail.com

mh.botshekan@gmail.com

dehghandehnavi@gmail.com

gmohagh@yahoo.com

aslipour@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه علامه طباطبائی،

۲. دانشیار گروه مالی و بانکداری، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه مالی و بانکداری، دانشگاه علامه طباطبائی،

۴. استادیار گروه مالی و بانکداری، دانشگاه علامه طباطبائی،

۵. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی،

## ۱- مقدمه و بیان مسأله

هر کشور در جهت پیشرفت راهبردهای خود، دارای بسته اصلی سیاست‌های کلان و سیاست‌های عمومی کشور و راهبردهای مدیریتی می‌باشد (دانایی فرد، ۱۳۹۰، ص ۶-۷). در ایران نیز ولی فقیه خط مشی‌های کلان را بر اساس مبانی اسلام و شناخت زمان و بهره‌گیری از ولایت خود، با هدف جریان افتادن در خط‌مشی‌های اجرایی تعیین می‌کند که بخشی از آن بر اساس اختیارات ولی فقیه در اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام تأمین می‌شود. سیاست‌های کلی با توجه به تعریف آن و با عنایت به اینکه اصول و راهنمای تدوین سیاست‌های اجرایی را به دست می‌دهند، بایستی دارای ویژگی‌های پایداری، آینده‌نگری، واقع‌بینی، فراگیر بودن و بیانگر خصوصیات اصلی و اساسی نظام باشد (معاونت پژوهش، اطلاع‌رسانی و بین‌الملل، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

تاکنون قریب به ۴۰ عنوان از سیاست‌های کلی توسط مقام معظم رهبری، با احتساب سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه‌های توسعه پنج ساله، برای جریان یافتن در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی اداره کشور ابلاغ شده است که از جمله آن‌ها سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (۱۳۸۴/۳/۱)، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۱/۳۰) و سیاست‌های کلی نظام اداری (۱۳۹۳/۱/۳۱) است (معاونت پژوهش، اطلاع‌رسانی و بین‌الملل، ۱۳۹۴). سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی از مهمترین سیاست‌های اقتصادی اخیر ایران محسوب می‌شوند که در برهه کنونی مواجهه انقلاب اسلامی ایران با جنگ اقتصادی و تحریم از سوی دشمن، به عنوان تاکتیک کوتاه‌مدت و راهبردی بلندمدت نظام اقتصادی جمهوری اسلامی توسط رهبر انقلاب ابلاغ گردید. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شامل ۲۴ سیاست کلی است که اصول مربوط به تقویت نظام مالی، تحول ساختارها و نیز شفافیت اقتصادی، از مهم‌ترین اصول ذکر شده در آن‌ها است (ابلاغیه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). سیاست‌های مربوط به این اصول که موضوع این پژوهش می‌باشد، عبارتند از:

- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی (بند ۹)؛
- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیر ضرور و هزینه‌های زاید (بند ۱۶)؛
- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و... (بند ۱۹).



عملیاتی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز همچون بسیاری از سیاست‌های کلی به صورت طبیعی با برخی مشکلات و موانع روبه‌رو است و دستیابی به نتایج و اهداف آن را دچار مشکلاتی کرده است. در این پژوهش به بررسی چالش‌های عملیاتی شدن خط-مشی‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی با تأکید بر بندهای ۹، ۱۶ و ۱۹ می‌پردازیم و بر این مبنا صندوق‌های بازنشستگی به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در نظام مالی کشور که با توجه به کارکرد دو سویه اقتصادی-اجتماعی، روند تحول ساختار تنظیم‌گری در آن‌ها و ارتقای سطح کارآمدی از حیث شفاف‌سازی اقتصادی، می‌تواند نقش حائز اهمیتی در تقویت نظام مالی ایفا نموده و ضمن منطقی‌سازی اندازه دولت به تحقق هدف سالم‌سازی اقتصاد و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزادر بند ۱۹ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بیانجامد؛ مورد بررسی موردی قرار گرفته و چالش‌های مقررات‌گذاری و نظارت بر این صندوق‌ها تبیین و سطح‌بندی شده‌اند. لذا این مطالعه قصد دارد موضوع اصلاح ساختار تنظیم‌گری را به عنوان یک متغیر ساختاری که می‌تواند در اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری مؤثر واقع گردد را بررسی نماید. با توجه به بند ۹ و ۱۶ سیاست‌های ابلاغی صندوق‌های بازنشستگی به عنوان یکی از ارکان نظام مالی کشور که اصلاح ساختار آن‌ها می‌تواند به منطقی‌سازی اندازه دولت نیز کمک کند به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده‌اند. لذا با توجه به اهمیت شناخت عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی، هدف پژوهش این است که عوامل کلیدی موجود بر سر راه تنظیم-گری صندوق‌های بازنشستگی کشور به عنوان یک متغیر ساختاری در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی را شناسایی نماید و ارتباط بین این عوامل را احصاء نماید. دستیابی به این هدف، می‌تواند در رفع موانع اجرای خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی کمک نماید. بنابراین سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

- ۱- عوامل کلیدی مؤثر بر الگوی تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی کشور چیست؟
- ۲- شبکه مضامین عوامل مؤثر بر تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی کشور چه الگویی دارد؟



## ۲- ادبیات موضوع و پیشینه

### ۲-۱- ادبیات نظری

ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری، نویدبخش حرکتی نو و تدبیری اثربخش در تقویت و مقاوم‌سازی بنیان‌های اقتصاد ملی و بارورسازی آن در سال‌های پیش رو است. در این میان لازم است ارکان مختلف اقتصادی کشور، اقدامات و برنامه‌های خود را همسو با این سیاست‌ها تنظیم کنند و تلاش نمایند تا در چارچوب این سیاست‌ها، ضمن پیگیری اهداف خود در سطح خرد، زمینه تحقق اهداف کلان اقتصادی را نیز فراهم کنند و بدنه اقتصادی و مالی کشور را چه در شرایط عادی و چه در شرایط بحرانی مقاوم سازند (خوانساری و بهادری جهرمی، ۱۳۹۳).

در بحث اقتصاد مقاومتی چهار دیدگاه یا الگو وجود دارد. اولین دیدگاه، اقتصاد موازی است. اقتصاد موازی به ایجاد نهادهای موازی با رویکرد انقلابی و جهادی اشاره دارد. دومین دیدگاه، که در این مقاله سعی شده است بیشتر بر این دیدگاه توجه و با کمک این دیدگاه به اصلاح ساختار تنظیم‌گری نهادها، سازمانها و اقتصاد کمک شود اقتصاد ترمیمی است. این رویکرد در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد اقتصادی است. سومین دیدگاه، اقتصاد دفاعی است. این اقتصاد به تدوین شیوه‌های برخورد پیش‌گیرنده در مقابل حملات اقتصادی دشمن اشاره دارد. چهارمین دیدگاه اقتصاد الگو است که در این دیدگاه برخلاف دیدگاه‌های دیگر که اقتصاد مقاومتی را با دیدی کوتاه‌مدت بررسی می‌کردند؛ چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و اقتصاد مقاومتی را رویکردی بلندمدت می‌داند (پیغامی، ۱۳۹۳).

به طور دقیق‌تر اقتصاد ترمیمی را در پارادایم اقتصاد مقاومتی، می‌توان در دو سطح خرد یا اجرایی و کلان یا سیاستگذاری بررسی کرد. از دیدگاه سازمانی و اجرایی، سازمان‌ها باید رویکرد خود را از وضعیت سازمان‌های پایدار، که در برابر عوامل استرس‌زا و تهدیدهایی که از طریق این عوامل به آنها وارد می‌شود مقاومت کرده و ساختار خود را بدون تغییر حفظ می‌کنند، فراتر برده و به سمتی حرکت کنند که در معرض نوسانات، بی‌نظمی، عوامل استرس‌زا و آشوب با یادگیری از این عوامل رشد و توسعه یابند. این رویکرد تحت عنوان نظریه‌ی شکست‌ناپذیری مطرح می‌شود و دارای یک ویژگی منحصر به فرد است که به ما امکان مقابله با عوامل ناشناخته و برخورد تهاجمی با این عوامل را می‌دهند (فخرپور، خوش‌سپهر و ملکی، ۱۳۹۷). از دیدگاه کلان یا



سیاستگذاری این رویکرد در ایجاد ارتباط مبنایی بین نظام‌های مطلوب، حقوقی و تصمیم‌گیری متجلی می‌شود.

افزایش توجه به تنظیم‌گری در محافل آکادمیک و در بین سیاستگذاران، همزمان با یک انتقال مفهومی در ادبیات سیاستگذاری، از تمرکز بر دولت (Government) به مثابه تنها منشاء اعمال سیاست‌های عمومی و اقتدار ملی به مفاهیم حکمرانی و حکمرانی خوب به معنای نظام توزیع قدرت اعمال حاکمیت و استفاده از تمام ظرفیت‌های اجتماعی جهت پیشبرد امور عمومی، در دو دهه‌ی اخیر را نیز می‌توان برآمده از اهمیت چالش شکست دولت در هماهنگی دانست (امامیان و همکاران، ۱۳۹۷).

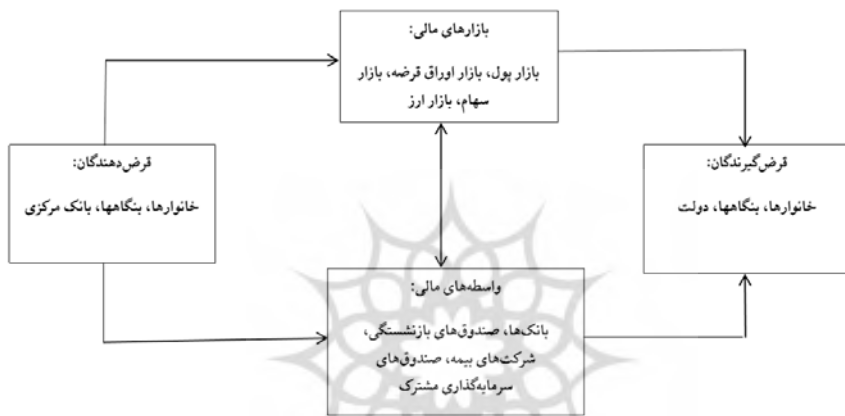
بر این اساس، دیدگاهی که در این مقاله نسبت به اقتصاد مقاومتی وجود دارد، یک دیدگاه اقتصاد ترمیمی است که بتواند در سطح سازمانی، رویکرد شکست‌ناپذیری داشته باشد و در سطح سیاستگذاری نیز منجر به تقویت هماهنگی و ارتباط مبنایی بین نظام‌های مطلوب، حقوقی و تصمیم‌گیری شود. در این دیدگاه، حکمرانی خوب از جمله زمینه‌های بسیار مهم برای شکل‌گیری سیاست‌های مناسب و لذا از عناصر لاینفک تاب‌آوری اقتصادی است. در بخشی از ادبیات مربوط به دسته‌بندی نظام حکمرانی، سه کارکرد تأمین-کنندگی، توزیع‌کنندگی و تنظیم‌گری در نظر گرفته است که در این میان کارکرد تنظیم‌گری را می‌توان بزرگترین و اصلی‌ترین کارکرد نظام حکمرانی به شمار آورد که هدف آن جهت‌دهی به مجموعه رفتار بازیگران مختلف جامعه با استفاده از ابزارهای در اختیار حاکمیت است. کارکرد تنظیم‌گری شامل مجموعه مداخلات حاکمیتی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با استفاده از ابزارهای مختلف حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و غیره با هدف تحقق سیاست‌ها و یا منافع عمومی است (امامیان و همکاران، ۱۳۹۷). مرور نظریات مختلف با رویکردهای مثبت و منفی به نقش نهاد‌های تنظیم‌گر در نظام حکمرانی، در مجموع حاوی یک نکته کلیدی است و آن تأکید بر لزوم طراحی دقیق نظام تنظیم‌گری با هدف استفاده از منافع آن و جلوگیری از پدیده‌ی شکست هماهنگی و نیز عوارض ناخوشانید تنظیم‌گری برای کلیت نظام حکمرانی است (امامیان و همکاران، ۱۳۹۷).

لذا با توجه به آنچه گفته شد، جایگاه تنظیم‌گری از دو جهت در اقتصاد مقاومتی قابل اهمیت است. نخست از آن جهت که با دیدگاه اقتصاد ترمیمی، تنظیم‌گری به عنوان یکی از کارکردهای نظام حکمرانی خوب، یک راهبرد به شمار می‌آید که در بندهای ۱۶ و ۱۹ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری نیز با توجه به بروندهای تحول در ساختارها و همچنین شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد قابل



ردیابی است. از جهت دیگر، استقرار تنظیم‌گر می‌تواند بخشی از موانع عملیاتی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مرتفع سازد.

حوزه‌ای که گروه تحقیق در این مقاله مورد مطالعه قرار داده‌اند با توجه تأکید مقام معظم رهبری در بند ۹ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، حوزه‌ی نظام مالی کشور است و همچنین صندوق‌های بازنشستگی به عنوان یکی از ارکان نظام مالی که ماهیتی اقتصادی-اجتماعی دارند جهت بررسی انتخاب شدند. برای اینکه جایگاه و اهمیت صندوق‌های بازنشستگی در حفظ ثبات مالی به خوبی تبیین شود، ابتدا شمایی کلی از سیستم مالی و نقش صندوق‌های بازنشستگی در این سیستم در شکل ۱ ارائه می‌گردد.



شکل ۱- شمای کلی سیستم مالی (منبع: ابراهیمی و همتی (۱۳۹۷))

لذا صندوق‌های بازنشستگی از دو جهت حائز اهمیت هستند؛ اول اینکه چون ابزاری برای تأمین مالی بخش عمده‌ای از جمعیت کشور محسوب می‌شوند، یک کارکرد اقتصادی-اجتماعی دارند و دیگر اینکه امروزه این صندوق‌ها با در دست داشتن منابع مالی نسبتاً پایدار ناشی از حق بیمه‌های دریافتی، می‌توانند یک سبد دارایی برای خود تشکیل داده و به عنوان یک واسطه‌ی مالی در انواع بازارهای مالی از جمله بازار سهام، نقش فعالی داشته باشند. فلذا توجه به موضوعاتی نظیر تدوین مقررات، نظارت مؤثر و تعریف ساختار سازمانی و عملیاتی کارا و همچنین توجه به مقولاتی چون استراتژی‌های سرمایه‌گذاری با توجه به حجم و منابع دارایی‌ها و مدیریت ریسک در آن‌ها حائز اهمیت است (کلودیو و همکاران، ۲۰۰۸). جایگاه صندوق‌های بازنشستگی در بند نهم سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی در خصوص تقویت و اصلاح نظام مالی را همچنین می‌توانیم بر اساس تأثیری که این صندوق‌ها بر کل سیستم اقتصادی می‌گذارند تحلیل کنیم. جایگاه صندوق‌های بازنشستگی در نظام مالی، نشان می‌دهد



که یکی از نقاط مرجع استراتژیک در پیاده‌سازی اصل نهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر تقویت و اصلاح همه‌جانبه نظام مالی کشور، توجه به این صندوق‌ها است. اما پاسخ به این سوال که ساختار تنظیم‌گری در این صندوق‌ها چه اهمیتی دارد، می‌تواند در تبیین لزوم اصلاح ساختار تنظیم-گری آن‌ها در راستای مقاوم‌سازی اقتصادی به ما کمک کند.

چالش تنظیم‌گری در سیستم باننشستگی ایران نیز به طور جدی وجود دارد و با وجود ساختارهایی مانند شواری عالی رفاه برای سیساتگذاری کلان، عملاً هیچ نهاد مسئولی برای نظارت خرد بر صندوق‌های باننشستگی در ساختار تنظیم‌گری کشور وجود ندارد (جلیلی، ۱۳۸۸؛ ابراهیمی و همتی، ۱۳۹۷؛ اخوان بهبهانی، ۱۳۹۶). از این رو، موضوع تنظیم‌گری صندوق‌های باننشستگی در ایران با هدف تحقق سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی، هم از حیث جایگاهی که در سرمایه‌گذاری‌های کشور به عنوان یک نهاد مالی دارد و هم از جهت نقشی که در بدنه‌ی اجتماعی کشور ایفا می‌کند، حائز اهمیت است. لکن علیرغم این اهمیت، صندوق‌های باننشستگی در ایران با چالش‌هایی جدی در ساختار تنظیم‌گری مواجه است. فلذا در این مقاله ضمن در نظر گرفتن بندهای ۹، ۱۶ و ۱۹ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری، با در نظر گرفتن دیدگاه اقتصاد ترمیمی از میان دیدگاه‌هایی که نسبت به اقتصاد مقاومتی وجود دارد و همچنین توجه به رویکرد مأموریت‌گرا برای گریز از پدیده‌ی شکست هماهنگی، صندوق‌های باننشستگی به عنوان مطالعه‌ی موردی انتخاب شده‌اند. با توجه به اینکه سیساتگذاری برای ایجاد یک ساختار تنظیم‌گری بومی و متناسب با شرایط محیطی نیازمند شناسایی عواملی است که بر آن ساختار مؤثر است لذا گروه تحقیق عوامل مؤثر بر اصلاح ساختار تنظیم‌گری در این صندوق‌ها و ارتباط آن‌ها را شناسایی و مدلسازی نموده‌اند.

## ۲-۲- پیشینه پژوهش

جدول ۱- پیشینه پژوهش

نویسندگان (سال) - روش	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته
خوانساری و جهرمی (۱۳۹۳) - رویکرد توصیفی - تحلیلی	تبیین ویژگی‌های ساختار نظارتی سیستمی و معرفی هندسه مطلوب نظارت بانکی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بهتر است تا پیش از توسعه کامل بخش پولی و بانکی کشور، نظارت نظام بانکی به صورت سیستمی و با درگیر شدن بانک مرکزی انجام شود.



نویسندگان (سال) - روش	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته
عرب مازار (۱۳۹۶) - رویکرد توصیفی - تحلیلی	این مقاله با سخن سردبیر به سیر تدوین و شکل گیری مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان استراتژی ملی پیشرفت و توسعه می پردازد.	اقدامات انجام شده در راستای اجرای اقتصاد مقاومتی در سازمانهای عمومی و خصوصی تاکنون به گونه ای نبوده است که از سوی مردم و در زندگی آنها احساس شود که این ناشی از حجم بسیار محدودی از فعالیتها توسط دولت، آن هم بدون کمک خواستن از مردم، پراکندگی و ناهماهنگی و هدف گذاری مشخص و بویژه اولویت بندی فعالیتها با فرض وجود یک نقشه راه است.
فخرپور و همکاران (۱۳۹۷) - روش دیتمل خاکستری و فرآیند تحلیل شبکه	تبیین مولفه های شکست ناپذیری سازمانی، تعیین رابطه متقابل بین این مولفه ها و مفهوم پردازی آنها	طبق نتایج بدست آمده از پژوهش، یادگیری از طریق ریسک کنترل شده امری توان به عنوان موثرترین زیر معیار یادگیری در شکست ناپذیر کردن سازمانها معرفی کرد.
مومنی و همکاران (۱۳۹۵) - توصیفی - تحلیلی	تجزیه و تحلیل مفهوم اقتصاد تنظیم - گری با توجه به موضوع حقوق رقابت در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی	یافته های مقاله نشان می دهد که با بررسی نهاد حسبه به عنوان نهادی که متولی و مجری حقوق رقابت در اقتصاد اسلامی می باشد، مشخص شده این نهاد علاوه بر فراهم نمودن اهداف اقتصادی، اهداف غیر اقتصادی را نیز برعهده دارد و همین سبب می شود که ماهیت اقتصاد تنظیم گری در این مکتب تفاوت قابل ملاحظه ای نسبت به ماهیت اقتصاد تنظیم گری دیگر مکاتب اقتصادی داشته باشد.
عیسوی و زریباف (۱۳۹۵) - روش تحلیلی	ارائه چارچوبی نظری برای شناخت و اولویت بندی چالش های اقتصاد ایران	بنا به یافته های پژوهش مشکل اصلی در عدالت بنیان کردن اقتصاد ایران، فقدان ارتباط مبنایی میان نظام مطلوب، نظام حقوقی (در رأس آن قانون اساسی)، نظام تصمیم گیری (سیاست های کلی نظام) و نظام مسائل است.
گلاب (۱۳۹۶)	بررسی بحران صندوق های بازنشستگی و پیامدهای آن از زاویه بار مالی برای دولت و کل اقتصاد	بنا به این گزارش، عدم توازن درآمدها و هزینه ها باعث کسری شدید این صندوقها شده که با راضی آن به دولت و در نهایت به کل جامعه تحمیل می شود. در نتیجه تمامی دولتها مجبور به تعیین منابع مالی دائم برای جبران این بدهی ها خواهند بود. درک میزان بزرگی این تعهدات و پیش بینی از آینده آن می تواند سیاستگذاران را به لزوم اصلاحات در نظام بازنشستگی کشور بیشتر آگاه کند.

### ۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از جهت نتایج و هدف یک تحقیق کاربردی - اکتشافی، از نظر فرآیند اجرا در زمره تحقیقات آمیخته با تقدم بخش کیفی محسوب می شود.





استراتژی اصلی این پژوهش کثرت‌گرایی روش‌شناختی با بهره‌گیری از دو استراتژی است. به این صورت که جهت پاسخ به سؤال اول تحقیق، ابتدا در بخش کیفی با استفاده از روش مطالعه مروری نظام‌مند، عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی استخراج و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون و با نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA10)، عوامل کلیدی دسته‌بندی و کدگذاری شدند. سپس برای پاسخ سؤال دوم از روش کمی استفاده شد و با استفاده از مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (Interpretive Structural Modelling (ISM))، روابط بین این عوامل به صورت شبکه مضامین مدل‌سازی و با بهره‌گیری از تحلیل میک مک (MICMAC) میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل بر یکدیگر شناسایی گردید. تحلیل میک مک به عنوان یک ابزار تحلیلی مکمل به عنوان Soft link در کنار ISM مورد استفاده قرار گرفته است. الگوی استخراج شده نیز از حیث هدف، یک الگوی توصیفی است که برای تشریح وضعیت عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی استفاده می‌شود و از جهت میزان انتزاع، یک الگوی شماتیک به حساب می‌آید. در این تحقیق با توجه به آنکه هدف نویسندگان در درجه اول سطح‌بندی عوامل مؤثر و سپس ایجاد شبکه عوامل بود، از روش ISM استفاده شد. سایر روش‌ها نظیر معادلات ساختاری منجر به سطح‌بندی خاصی از عوامل نمی‌شوند و بلکه شبکه و تأثیر و تأثر عوامل را محقق می‌سازند.

### روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها در بخش کیفی روش مطالعه مروری نظام‌مند و در بخش کمی، پرسشنامه است. برای پاسخ به سؤال اول در بخش کیفی، از رویکرد تحلیل مضمون و نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA10) جهت دسته‌بندی و کدگذاری عوامل کلیدی استفاده گردید. سپس برای پاسخ به سؤال دوم در بخش کمی، از مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (Interpretive Structural Modelling (ISM)) جهت تبیین روابط بین این عوامل به صورت شبکه مضامین و از تحلیل میک مک (MICMAC) جهت میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل بر یکدیگر استفاده گردید.

### جامعه و نمونه

در بخش کمی این پژوهش از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف برای انتخاب شرکت‌کنندگان استفاده گردید و ۱۱ نفر به صورت هدفمند انتخاب و بین آن‌ها پرسشنامه توزیع گردید و مبنای این پژوهش قرار گرفت. با توجه به آنکه ISM یکی از روش‌های پژوهش عملیاتی نرم محسوب می‌شود و توزیع پرسشنامه آن



به صورت هدفمند میان خبرگان صورت می‌گیرد، لذا روش نمونه‌گیری نیز روش قضاوتی یا هدفمند بوده است. بنابراین طبعاً تعداد پرسشنامه‌های توزیعی از فرمول کمی خاصی تبعیت نمی‌کند اما عموماً بین ۱۰ تا ۱۵ پرسشنامه توضیح می‌شود (آذر و خسروانی، ۱۳۹۸). برای مشارکت افرادی که شناخت بیشتری از تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی دارند، روش نمونه‌گیری هدفمند (قضاوتی) سابقه‌ی حداقل ۲ سال مدیریت در یکی از صندوق‌های بازنشستگی جهت خبرگان اجرایی و انتشار حداقل ۲ اثر علمی به صورت کتاب یا مقاله جهت خبرگان دانشگاهی، بوده است.

### روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

همچنین روایی محتوای پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصین (خبرگان اجرایی و دانشگاهی مرتبط در حوزه‌های صندوق‌های بازنشستگی) مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به اینکه ISM ذیل تکنیک‌های پژوهش عملیاتی نرم طبقه‌بندی شده و تکنیک آماری محسوب نمی‌شود، روش بررسی پایایی پرسشنامه، روش موازی یا استفاده از آزمون‌های هم‌تأیید انتخاب شد. نتایج حاصل از محاسبه همبستگی میان پاسخ‌ها نشان دهنده ۸۱٪ همبستگی میان پاسخ‌هاست، که این عدد مؤید پایایی پرسشنامه است. در محاسبه ضریب قابلیت اعتماد بر اساس همبستگی نمرات دو آزمون هم‌تأیید، خطاهای اندازه‌گیری و کمبود یا عدم وجود همسانی میان دو فرم هم‌تأیید آزمون (تفاوت در سوالات یا محتوای آن‌ها) قابلیت اعتماد را کاهش می‌دهد.

## ۴- یافته‌های تحقیق (مراحل و گام‌های مدل‌سازی ساختاری-تفسیری)

### مرحله اول - تعیین ابعاد / عناصر

در این تحقیق، مضامین به دست آمده با استفاده از روش تحلیل مضمون از طریق مصاحبه با خبرگان این زمینه و نیز ۵ پژوهش در مرحله قبل (روش مرور نظام‌مند) بدست آمده است. جدول ۲ حاوی مثال‌هایی از مفاهیم شناسایی شده در متن پیاده شده یک نمونه مصاحبه است که در قالب تم‌های فرعی دسته‌بندی شده است. سپس بر اساس تمامی تم‌های فرعی شناسایی شده در کل تحقیق دسته‌بندی کلی‌تری انجام شد که منجر به شناسایی تم‌های اصلی (۱۴ مورد) گردید. در ادامه نتایج حاصل از این فرآیند ارائه می‌شود.



جدول ۲- مفاهیم و تم‌های فرعی شناسایی شده در متن یک نمونه مصاحبه

عنوان تم فرعی	کد تم فرعی	عنوان مفهوم شناسایی شده و نقل قول مرتبط با آن	کد مفهوم
رعایت اصل سه جانبه گرایی	تم فرعی ۱	مشارکت همه ذینفعان "... به این نکته توجه داشته باشید که صندوق‌های بازنشستگی ذینفعان متعددی چون بیمه‌شدگان در دوره‌های مختلف، کارفرمایان، دولت‌ها و... دارند."	مفهوم ۱۳
		کنترل دولتی صندوق‌ها بیشترین سهم را در اداره این صندوق‌ها در گذشته دولت‌ها داشته‌اند. سایر ذینفعان که سهامدار اصلی این صندوق‌ها بودند مانند کارگران و کارفرمایان سهم‌شان در اداره آنها بسیار ناچیز یا در حد صفر بوده است."	مفهوم ۱۶
ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی	تم فرعی ۲	رویه‌ها و تصمیمات غیر شفاف "... وجود رویه‌ها یا تصمیم‌گیری‌های غیر شفاف و نبود نظام اطلاعات، آمار و داده‌ها درباره ورودی‌ها و خروجی‌های صندوق‌های بازنشستگی در گذشته باعث بروز ابهامات بسیاری شد که بخش عمده مشکلات از همین ناحیه به وجود آمده است."	مفهوم ۸
		بی‌اطلاعی ذینفعان از عملکرد بی‌اطلاعی ذینفعان متعدد نسبت به محصولات، خروجی‌ها، خدمات و دستاوردهای صندوق‌های بازنشستگی از عوامل اصلی بروز مشکلات آنها و حتی عامل موثر بر عملکرد مدیریتی آنها نیز بوده است."	مفهوم ۱۱
		عدم شفافیت مطالبات صندوق‌ها روایت‌ها از بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی متفاوت است. سازمان تامین اجتماعی مدعی است که از دولت در حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان مطالبه دارد. صندوق بازنشستگی کشوری هم ادعا کرده است که حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان دولت به آن بدهکار است. البته دولت هیچ‌گاه این ادعاها را تایید نکرده است."	مفهوم ۵
رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاستگذاری حوزه بازنشستگی	تم فرعی ۳	اعمال سیاست‌های حمایتی نامتناسب با ظرفیت مالی "متأسفانه در کشور ما بخش قابل توجهی از منابع صندوق‌ها صرف اجرای سیاست‌های حمایتی فاقد مبنای منطقی و نامتناسب با ظرفیت مالی آنها شده است."	مفهوم ۱۷
		عدم توجه به تبعات مالی قوانین مصوب بازنشستگی بسیاری از مقررات و قوانینی که دولت و مجلس در گذشته برای صندوق‌های بازنشستگی تدوین کردند به مثابه شوک‌های سیاستی بوده و به شدت صندوق‌های بازنشستگی را مورد آسیب قرار داده است. نمونه آن تصویب قانون بازنشستگی پیش از موعد یا وسیع کردن دامنه مشاغل سخت و زیان‌آور است."	مفهوم ۲۰
ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها	تم فرعی ۴	تکالیف دولتی بدون تأمین منابع دولت‌ها بخش بسیاری از سیاست‌های رفاهی و حمایتی با اهداف توسعه‌ای یا غیر توسعه‌ای را بر عهده صندوق‌های بازنشستگی گذاشتند بدون آنکه منابعش را بپردازند."	مفهوم ۱۴



کد مفهوم	عنوان مفهوم شناسایی شده و نقل قول مرتبط با آن	کد تم فرعی	عنوان تم فرعی
مفهوم ۱۵	بدحسابی دولت در پرداخت دیون خود به صندوقها دولت‌های یکی از ذی‌نفعان صندوق‌ها هستند و باید به عنوان کارفرمایان، کارگران و کارمندان دولتی یا به عنوان تامین‌کننده الزامی سهم حاکمیتی از حق بیمه سهم‌شان را پرداخت می‌کردند اما طی سالیان گذشته در پرداخت این سهم بدحساب بودند.	ح. ۱	ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها

همانطور که مشاهده می‌شود، مضامین سازمان دهنده عوامل موثر مشتمل بر مفاهیم زیر است که مدل سازی براساس آنها صورت می‌گیرد: ۱- رعایت اصل سه جانبه گرایی؛ ۲- ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی؛ ۳- رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاستگذاری حوزه بازنشستگی؛ ۴- ایفای تعهدات دولت به صندوقها؛ ۵- اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع؛ ۶- بنگاه-داری صندوق‌های بازنشستگی؛ ۷- پایین بودن رشد اشتغال رسمی؛ ۸- نبود نهاد ناظر مستقل؛ ۹- عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوقها؛ ۱۰- اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوقها؛ ۱۱- ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری؛ ۱۲- مقاومت ذینفعان بانفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوقها؛ ۱۳- تفاوت مقررات بیمه‌ای بین صندوقها؛ ۱۴- درهم تنیدگی صندوقها با سایر اجزای سیستم مالی.

#### مرحله دوم - بدست آوردن ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

نتایج بدست آمده از پرسشنامه‌هایی که جمع آوری گردید، با هم جمع شده و اعداد به دست آمده در جدول ۳ آمده است. بنابراین در هر یک از خانه‌های این جدول اعدادی بین ۰ تا ۳۳ قرار خواهند گرفت.

جدول ۳: ماتریس خود تعاملی ساختاری مضامین

مضامین کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱		۲۰	۲۹	۳۰	۳۱	۲۰	۱۷	۳۱	۲۸	۲۹	۲۸	۳۰	۱۸	۱۵
۲	۲۸		۳۱	۳۰	۳۲	۱۹	۳۰	۲۰	۲۸	۲۸	۳۱	۲۹	۲۸	۲۸
۳	۱۷	۲۹		۳۱	۳۰	۲۸	۱۵	۳۰	۲۸	۲۱	۲۰	۱۸	۳۱	۲۱
۴	۳۰	۲۸	۳۱		۳۰	۲۰	۱۲	۱۸	۲۱	۲۸	۱۹	۱۷	۱۵	۲۸
۵	۱۹	۲۹	۲۸	۲۹		۱۸	۱۱	۲۱	۱۹	۲۸	۲۰	۲۱	۲۹	۲۸
۶	۲۰	۱۶	۲۹	۱۷	۲۵		۱۰	۱۵	۲۱	۲۶	۱۳	۲۹	۲۳	۲۸
۷	۲۷	۲۵	۱۵	۲۳	۲۰	۱۳		۱۱	۱۰	۱۸	۲۰	۱۵	۱۲	۱۳
۸	۲۵	۲۵	۲۷	۲۶	۲۴	۲۹	۲۵		۳۱	۲۸	۲۳	۲۹	۳۱	۲۷
۹	۲۷	۱۵	۲۳	۲۳	۲۵	۲۳	۱۶	۲۷		۲۴	۲۷	۲۳	۲۹	۲۵



مضامین کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۰	۲۵	۲۴	۲۳	۲۶	۲۳	۲۷	۲۹	۲۸	۱۸		۲۹	۱۸	۳۰	۲۵
۱۱	۲۴	۱۷	۱۴	۱۶	۱۰	۱۱	۱۴	۲۸	۲۶	۲۳		۲۹	۱۷	۱۱
۱۲	۲۸	۳۱	۲۵	۱۷	۳۰	۲۵	۱۴	۲۹	۱۶	۲۸	۲۹		۳۱	۲۵
۱۳	۲۳	۲۸	۲۵	۱۶	۲۵	۲۳	۱۲	۲۹	۱۸	۱۶	۲۴	۲۰		۲۳
۱۴	۱۹	۲۰	۲۹	۲۳	۲۸	۳۱	۱۷	۲۹	۳۰	۲۴	۲۸	۲۹	۱۶	

## مرحله سوم - طراحی ماتریس دستیابی

حاصل محاسبات ماتریس دستیابی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- ماتریس دستیابی مضامین

مضامین کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	قدرت نفوذ
۱		۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۸
۲	۱		۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۹
۳	۰	۱		۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۷
۴	۱	۱	۱		۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۶
۵	۰	۱	۱	۱		۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۶
۶	۰	۰	۱	۰	۱		۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۶
۷	۱	۱	۰	۱	۰	۰		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱		۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
۹	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱۱
۱۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۵
۱۲	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۱۳	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۱۴	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
وابستگی	۹	۸	۱۱	۹	۱۱	۷	۳	۸	۵	۱۰	۸	۷	۸	۸	

## مرحله چهارم - تعیین سطح عوامل

پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز هر عامل، نوبت به تعیین سطح عوامل می‌رسد که در ۶ سطح استخراج گردید و در جدول ۵ تبیین شده است.



جدول ۵- تعیین سطح عوامل (سطح اول تا ششم)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۳	۱۳,۹,۸,۶,۵,۴,۲	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۵,۴,۲,۱	۱۳,۹,۸,۶,۵,۴,۲	یک
۵	۱۴,۱۳,۱۰,۴,۳,۲	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۴,۳,۲,۱	۱۴,۱۳,۱۰,۴,۳,۲	یک
۱۱	۱۲,۱۰,۹,۸,۱	۱۳,۱۴,۱۰,۱۲,۹,۸,۲,۱	۱۲,۱۰,۹,۸,۱	یک
۱	۱۲,۱۰,۹,۸,۴	۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸,۷,۴,۲	۱۲,۱۰,۹,۸,۴	دو
۴	۱۴,۱۰,۲,۱	۱۴,۱۰,۹,۸,۷,۲,۱	۱۴,۱۰,۲,۱	دو
۱۴	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۴	۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۴	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۴	دو
۲	۱۳,۱۲,۱۰,۷	۱۳,۱۲,۱۰,۸,۷	۱۳,۱۲,۱۰,۷	سوم
۷	۲	۱۰,۸,۲	۲	سوم
۱۳	۸,۶,۲	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۲	۸,۶,۲	سوم
۱۰	۸,۶	۱۲,۹,۸,۶	۸,۶	چهارم
۱۲	۸,۶	۹,۸,۶	۶,۸	پنجم
۶	۱۲	۱۲,۹,۸	۱۲	ششم
۸	۱۲,۹,۶	۱۲,۹	۱۲,۹	ششم
۹	۱۲,۸,۶	۸	۸	ششم

بر اساس جدول ۵ مشاهده می‌شود که تنها در سه عامل سوم، پنجم و یازدهم یعنی رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاستگذاری حوزه بازنشستگی؛ اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع؛ و ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری، مجموعه دریافتنی و مشترک به طور کامل یکسان هستند؛ یعنی این عوامل است که در مدل نهایی بیشترین تأثیرپذیری را از سایر عوامل و کمترین تأثیرگذاری را بر آنها دارند و به همین خاطر بالاترین سطح مدل را به خود اختصاص می‌دهد. با حذف عوامل سوم، پنجم و یازدهم نیز سطح دوم عوامل را نشان می‌دهد که عوامل یکم، چهارم و چهاردهم (رعایت اصل سه جانبه‌گرایی؛ ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها؛ درهم تنیدگی صندوقها با سایر اجزای سیستم مالی) در سطح دوم مدل قرار می‌گیرد. با حذف عوامل سطح دوم، عوامل سطح سوم نشان داده می‌شوند که عوامل دوم، هفتم و

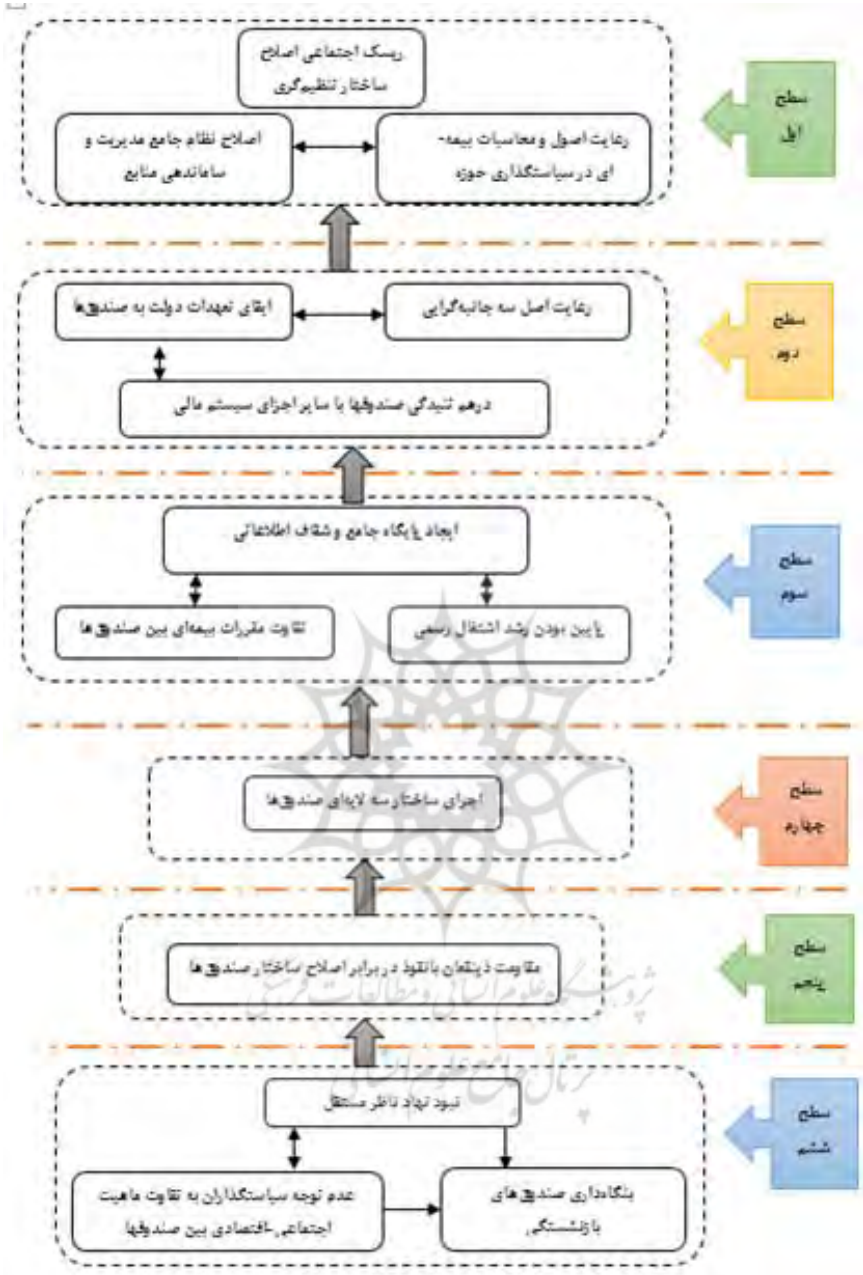


سیزدهم (ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی؛ پایین بودن رشد اشتغال رسمی؛ تفاوت مقررات بیمه‌ای بین صندوق‌ها) در سطح سوم مدل قرار می‌گیرند. با حذف عوامل سطح سوم، عامل سطح چهارم نشان داده می‌شوند که عامل دهم (اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها) در سطح چهارم مدل قرار می‌گیرد. با حذف عامل سطح چهارم، عامل سطح پنجم نشان داده می‌شوند که عامل دوازدهم (مقاومت ذینفعان بانفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها) در سطح پنجم مدل قرار می‌گیرد. با حذف عامل سطح پنجم، عوامل سطح ششم نشان داده می‌شوند. در نهایت عاملی یافت نمی‌شود که عوامل مشترک با عوامل دستیابی آنها یکی باشد. لذا تمامی عوامل ۶، ۸، ۹ (بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی؛ نبود نهاد ناظر مستقل؛ عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوق‌ها) در سطح ششم قرار می‌گیرند.

#### مرحله پنجم - ترسیم الگوی/مدل مضامین

پس از تعیین سطح عوامل می‌توان روابط آنها با یکدیگر را در قالب یک مدل براساس اطلاعات بدست آمده ماتریس دستیابی به نمایش درآورد (شکل ۲). بر اساس جداول تعیین سطح، سه عامل سوم، پنجم و یازدهم یعنی «رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاستگذاری حوزه بازنشستگی»، «اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع» و «ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری» در سطح اول یعنی در بالای مدل قرار می‌گیرند و سایر عوامل پایین تر از آنها خواهند بود. البته بر اساس جدول ۵ این سه نیز با یکدیگر روابط متقابل نیز دارند و بر هم اثرگذارند. در سطح دوم، عوامل یکم، چهارم و چهاردهم یعنی «رعایت اصل سه جانبه‌گرایی»، «ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها» و «درهم تنیدگی صندوق‌ها با سایر اجزای سیستم مالی» قرار می‌گیرند که در واقع به عنوان عوامل تعیین کننده و تقویت کننده عوامل سطح یک عمل می‌نمایند. سطح سوم شامل مولفه‌های «ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی»، «پایین بودن رشد اشتغال رسمی» و «تفاوت مقررات بیمه‌ای بین صندوق‌ها» است. در سطح چهارم عامل «اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها»، در سطح پنجم عامل «مقاومت ذینفعان بانفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها» و سطح ششم عوامل «بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی»، «نبود نهاد ناظر مستقل»، «عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوق‌ها» به عنوان عوامل بستر ساز و پایه‌ای مطرح می‌باشند.





شکل ۲- الگوی مضامین





## مرحله تحلیل میک مک (MICMAC)

قدرت نفوذ و میزان وابستگی هریک از عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات‌گذاری و نظارت صندوق‌های بازنشستگی کشور که از پرسشنامه‌های دریافتی تعیین گردید در جدول ۶ بیان شده است.

جدول ۶- تحلیل میک مک

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
قدرت نفوذ	۸	۹	۷	۶	۶	۶	۳	۱۳	۱۱	۱۱	۵	۱۰	۸	۹
میزان وابستگی	۹	۸	۱۱	۹	۱۱	۷	۳	۸	۵	۱۰	۸	۷	۸	۸

بر این مبنا، ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی طبق شکل ۳ به دست آمد. براساس این ماتریس، عوامل ۶ و ۷ (بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی؛ پایین بودن رشد اشتغال رسمی) در دسته متغیرهای خودمختار قرار گرفتند. همچنین محاسبات نشان داد که متغیرهای ۳، ۴، ۵ و ۱۱ (رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاستگذاری حوزه بازنشستگی؛ ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها؛ اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع؛ ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری) در دسته متغیرهای وابسته و عوامل ۱، ۲، ۸، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ (رعایت اصل سه جانبه‌گرایی؛ ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی؛ نبود نهاد ناظر مستقل؛ اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها؛ تفاوت مقررات بیمه‌ای بین صندوق‌ها؛ درهم تنیدگی صندوق‌ها با سایر اجزای سیستم مالی) در گروه متغیرهای پیوندی قرار گرفتند. چهارمین دسته نیز متغیرهای مستقل بودند که شامل عوامل ۹ و ۱۲ یعنی عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوق‌ها و مقاومت ذینفعان بانفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها بود.

## ۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

## ۵-۱- بحث

روزآمدی و سرعت در مقررات‌گذاری از جمله ویژگی‌های مقررات‌گذاری خوب است که حسب حوزه‌ای که دولت در آن به مقررات‌گذاری می‌پردازد متفاوت است. این سازگاری و پاسخگویی در بند ۱۱ و ۱۳ سیاست‌های کلی نظام اداری و قانون مدیریت خدمات کشوری نیز مورد اشاره قرار گرفته است. ضمن آن که در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری چالش درونی اقتصاد کشور را شامل عبور ساختاری و ضعفهای مدیریتی را بر شمرده‌اند.



نتیجه این تحقیق مؤید پژوهش‌هایی است که ایجاد مقام ناظر مستقل صندوق‌های بازنشستگی را از ضروریات اصلاح ساختار تنظیم‌گری در این صندوق‌ها می‌دانند. تحقیقات جلیلی (۱۳۸۸)، روشا و همکاران (۱۹۹۹)، بانک جهانی (۲۰۰۳) و راجکومار (۲۰۱۲) جزء این دسته از پژوهش‌ها قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه استفاده از مضامین مورد استفاده از تحقیقات پیشین، بخشی از روش این مطالعه بوده است، لذا طبیعتاً اشتراک مضامین حاصل شده با این ادبیات بالا است. وجه افتراق این پژوهش در طراحی شبکه این مضامین و سطح‌بندی ارتباطی آن‌ها است که در مطالعه‌ای در این موضوع سابقاً انجام نشده است.

## ۵-۲- نتیجه‌گیری

همانطور که پیش از این اشاره شد، با توجه به جایگاه تنظیم‌گری در پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، لازم است چالش‌هایی که در مسیر اصلاح ساختار تنظیم‌گری وجود دارد به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد. عواملی که در این مطالعه احصا شد نشان می‌دهد، مطابق با بیانیه گام دوم انقلاب، عیوب ساختاری به عنوان یک چالش درونی اقتصادی در صندوق‌های بازنشستگی دیده می‌شود و عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد ناشی از مؤلفه‌های مستخرج در این مقاله به چالش در مسیر اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی می‌انجامد. این در حالی است که اصلاح ساختار تنظیم‌گری و الگوی مقررات‌گذاری و نظارت در صندوق‌های بازنشستگی با توجه به تأثیری که در شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی دارد، گام مهمی در تحقق اهداف بند ۱۹ سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید. این اصلاحات نیازمند یافتن فاکتورهای اصلی و عوامل کلیدی تأثیرگذار در این فرآیند و برقراری ارتباط بین آن‌ها می‌باشد. از این رو در این مقاله ابتدا سعی شده است که با بهره‌گیری از روش مطالعه مروری نظام‌مند، فاکتورهای اصلی مؤثر در ادبیات موضوع و نظرات خبرگان شناسایی شود که در نتیجه آن ۱۴ عامل انتخاب شدند. آن‌گاه با استفاده تکنیک ISM به عنوان یک روش کمی، ارتباط و توالی آن‌ها را به دست آوردیم.

مهمترین یافته این تحقیق، استخراج شش سطح شبکه روابط بین مضمون‌ها بود که ارتباط منطقی با یکدیگر دارد و نشان می‌دهد اصلاح ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی، با توجه به پیچیدگی و اثرپذیری از طیف متنوعی از ذینفعان نیازمند رویکردی جامع و فراگیر است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که سه



فاکتور «نبود نهاد ناظر مستقل»، «بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی» و «عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی - اقتصادی بین صندوق‌ها» زیربنای اصلاح ساختار تنظیم‌گری در صندوق‌های بازنشستگی ایران می‌باشند. این به آن معنا است که برای اصلاح ساختار تنظیم‌گری باید از این فاکتورها شروع کرد که در نتیجه آن، زمینه برای مدیریت سطح بالاتر یعنی «مقاومت ذینفعان با نفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها» فراهم می‌شود تا بتوان عامل سطح بعدی یعنی «اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها» به عنوان ضرورتی در ساختار نظام تأمین اجتماعی کشور را محقق نمود و این رویه تا دستیابی به اهداف سطح اول شامل «رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاستگذاری حوزه بازنشستگی»، «اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع» و نیز مدیریت «ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری» ادامه پیدا کند. نتایج نشان داد اگرچه عامل بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی از عوامل زیربنایی در اصلاح ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر این صندوق‌ها است، اما با توجه به درجه قدرت نفوذ و نیز درجه میزان وابستگی، در گروه متغیرهای خودمختار قرار می‌گیرد و اثر آن بر پویایی سیستم محدود خواهد بود.

همچنین عوامل با توجه به نتایج بدست آمده از جدول MICMAC عواملی که در سطح اول الگوی ISM قرار گرفتند به علاوه عامل «یغای تعهدات دولت به صندوق‌ها»، چهار عاملی هستند که به عنوان خروجی اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌ها شناخته شده است و نمی‌توان اصلاح ساختار را منوط به تحقق این عوامل نمود. لذا تأکید بیش از حد بر آن‌ها جهت اصلاح ساختار تنظیم‌گری توصیه نمی‌گردد. این متغیرها، متغیرهای کنترل هستند که باید به صورت مداوم پایش و رصد شوند تا بتوان وضعیت تأثیر اصلاح ساختار تنظیم‌گری در صندوق‌های بازنشستگی را از تغییر این متغیرهای مستقل پایش نمود.

نتایج جدول MICMAC نشان می‌دهد «نبود نهاد نظر مستقل» عاملی است که بیشترین نفوذ و اثرگذاری را بر سایر عوامل دارد. این نتیجه در کنار قرار گرفتن این عامل در سطح ششم و سطح مبنایی الگوی ISM بیانگر ضرورت شکل‌گیری یک نهاد ناظر مستقل بر صندوق‌های بازنشستگی جهت اصلاح ساختار تنظیم‌گری در این صندوق‌ها است. در مقابل عامل «پایین بودن رشد اشتغال رسمی» اگرچه می‌تواند بر منابع صندوق‌ها اثرگذار باشد اما کمترین نفوذ و کمترین میزان وابستگی را در ارتباط با سایر عوامل مؤثر بر اصلاح ساختار دارد.

همچنین با توجه به نتایج تحقیق «ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی»،



«درهم تنیدگی صندوق‌ها با سایر اجزای سیستم مالی»، «رعایت اصل سه جانبه‌گرایی»، «تفاوت مقررات بیمه بین صندوق‌ها» و سرانجام «اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها» با قرار گرفتن در بخش متغیرهای پیوندی نشان می‌دهند که با توجه به نقش هدایتگری و نیز وابستگی به سایر عوامل، تغییر در آن‌ها بر کل سامانه اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی اثرگذار خواهد بود.

عوامل «عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوق‌ها» و «مقاومت ذینفعات با نفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها» نیز عواملی دارای خاصیت اهرمی به شمار می‌آیند.

### ۵-۳- پیشنهادها

در پایان با توجه به اینکه برای عبور از بحران صندوق‌های بازنشستگی کشور نیازمند اصلاح ساختار تنظیم‌گری (مقررات‌گذاری و نظارت) در این صندوق‌ها هستیم. بر اساس یافته‌های مطالعه‌ی حاضر پیشنهاد می‌گردد نهاد ناظر تنظیم‌گری به صورت واحد مستقل جهت اصلاح روند سیاست‌گذاری و خط مشی‌گذاری در صندوقهای بازنشستگی در کشور ایجاد گردد تا با مقررات‌گذاری و نظارت صحیح متولی اصلاح ساختار مقررات‌گذاری و نظارت در این صندوق‌ها گردد.

همچنین از آنجا که به کارگیری راهبرد الگوسازی ساختاری تفسیری به سطح‌بندی و نه الویت‌بندی کمی و دقیق مضامین منجر می‌شود، پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی با اجرای شیوه‌های نرم تصمیم‌گیری و پژوهش عملیاتی به الویت‌بندی این مضمون‌ها در سطوح مدل پرداخته شود.



## ۶- منابع

## ۶-۱- منابع فارسی

## الف) مقاله‌ها

۱. ابراهیمی، ایلناز؛ همتی، مریم، (۱۳۹۷). نقش و اثرگذاری صندوق‌های بازنشستگی در ثبات مالی اقتصاد ایران، لزوم شکل‌گیری مقام ناظر احتیاطی، تهران: پژوهشکده پولی بانکی.
۲. اخوان بهبهانی، علی، (۱۳۹۶). بررسی وضعیت سازمان تأمین اجتماعی و ضرورت اصلاحات بنیادی در آن (علل و اقدامات فوری مورد نیاز). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره مسلسل ۱۵۵۶۹.
۳. امامیان، سیدمحمدصادق؛ ذوالفقاری، امیر احمد؛ محمدزاده، احسان؛ زمانیان، مرتضی، (۱۳۹۷). نظام ملی تنظیم‌گری. ۱. مفهوم تنظیم‌گری و ارتباط آن با نظام حکمرانی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۵۹۴۰.
۴. جلیلی، طیبه، (۱۳۸۸). اولویت بندی عوامل مؤثر بر تسهیل اجرای سیستم چندلایه در صندوق بازنشستگی کشوری. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی گرایش بیمه، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. جلیلی، طیبه، (۱۳۸۸). سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی - الزامات و تجارب جهانی، واحد تحقیقات و مطالعات بیمه‌ای، مؤسسه حسابرسی، صندوق بازنشستگی کشوری.
۶. خوانساری، رسول؛ بهادری جهرمی، علی، (۱۳۹۳). هندسه مطلوب نظارت در نظام بانکی با رویکرد اقتصاد مقاومتی، فصلنامه پژوهش‌های فقهی-حقوقی، سال سوم، شماره هفتم، صفحه ۲۶-۵.
۷. دانایی فرد، حسن، (۱۳۹۰). تبیین اجرای جهاد اقتصادی با محوریت یکپارچگی سیاست‌های ملی: طراحی مدل مفهومی و چالش‌های فرارو. اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۱۰: ۲۴-۵.
۸. عرب مازار، عباس، (۱۳۹۶). اقتصاد مقاومتی: استراتژی ملی پیشرفت و توسعه، سخن سردبیر، دوره ۱۷، شماره ۶۶، صفحه ۱۱-۵.
۹. عیسوی، محمود؛ زریباف، سیدمهدی، (۱۳۹۵). استخراج چارچوب نظری برای آسیب‌شناسی اقتصاد ایران بر اساس مولفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نشریه معرفت اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۵، صفحه ۹۲-۷۹.
۱۰. فخرپور، سیدحسین؛ خوش سپهر، زهرا؛ ملکی، محمدحسن، (۱۳۹۷). ارائه مدلی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در سازمان‌ها با بکارگیری نظریه شکست‌ناپذیری، اندیشه مدیریت راهبردی، سال دوازدهم، شماره اول، شماره پیاپی ۲۳، صفحه ۱۵۲-۱۲۳.



۱۱. گلاب، سمانه، (۱۳۹۶). بودجه محدود، تعهدات هنگفت نگاهی به بار مالی صندوقهای بازنشستگی در بودجه دولت، گروه مطالعاتی اقتصاد کلان و سیاستگذاری اقتصادی، موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.
۱۲. معاونت پژوهش، اطلاع‌رسانی و بین‌الملل، (۱۳۹۴). سیاست‌های کلی: ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری تا سال ۱۳۹۳. تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۳. مومنی، فرشاد؛ قاسمی، عبدالرسول؛ شکوهی، محمدرضا؛ عظیم‌زاده آرانی، محمد، (۱۳۹۵). تحلیل مقایسه‌ای اقتصاد تنظیم‌گری با توجه به موضوع حقوق رقابت از دیدگاه اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۷، صفحه ۱۷۶-۱۴۹.

### ب) کتابها

۱۴. آذر، عادل و خسروانی، فرزانه (۱۳۹۸)، تحقیق در عملیات نرم (رویکردهای ساختاردهی مسئله)، تهران؛ انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۱۵. پیغامی، عادل (۱۳۹۳)، درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی، تهران؛ انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
۱۶. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۰). چالش‌های مدیریت دولتی ایران. تهران: سمت.

### ج) منابع اینترنتی

۱. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، (۱۳۹۲). <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>.
۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۳۹۰). <http://www.maslahat.ir/index.js?p=siteid=3&fkeyid=&siteid=3&pageid=583>.

### ۶-۲- منابع لاتین

#### Articles

3. Claudio Raddatz & Sergio L. Schmukler. (2008). **Pension Funds and Capital Market Development**. How Much Bang for the Buck? The World Bank Development Research Group Macroeconomics and Growth Team.
4. Rajkumar, S. (2012). **Pension Fund Management at the World Bank**. Financial Advisory and Banking, World Bank Treasury, Washington DC, treasury.worldbank.org.
5. Rocha, R., Hinz, R. & Gutierrez, J. (1999). **Improving the Regulation and Supervision of Pension Funds: Are There Lessons From the Banking Sector?** Social Protection Unit, Human Development Network, the World Bank, No. 9929.
6. World Bank (2003). **Islamic republic of Iran the pension system in Iran: challenges and opportunities** (Report No. 25174-IR).

